



تفکر سکولار و مدرن در کنار هم به وجود آمدند/مدرنیزاسیون نمی تواند علت افول دین باشد

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه برای یافتن علت افول دین در غرب باید به نهاد رسمی مسیحیت در قرون وسطی توجه کرد،

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه برای یافتن علت افول دین در غرب باید به نهاد رسمی مسیحیت در قرون وسطی توجه کرد، گفت: مدرنیزاسیون نمی تواند علت افول دین باشد، تفکر سکولار و ظهور تفکر مادی و همین طور پیدایش مدرنیزاسیون همراه و در کنار هم به وجود آمدند، یعنی نمی تواند یکی، علت دیگری باشد. به گزارش خبرنگار مهر، برخی معتقدند در تجربه مدرنیته در غرب، افول دین در اروپای غربی را نباید به دلیل مدرنیزاسیون دانست بلکه باید در شکست اروپا در تفکیک دین و دولت جستجو کرد، یعنی وقتی کلیسا بر امور سیاسی حاکم شد، قدرتی توأم با فساد را اعمال کرد و این اعمال قدرت باعث شد مردم ادعای کلیسا برای اعمال قدرت سیاسی را زیر سؤال ببرند و از کلیسا رویگردان شوند.

دکتر محمد فنایی اشکوری، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص این موضوع گفت: به نظر می رسد برای یافتن علت افول دین در غرب باید به نهاد رسمی مسیحیت در قرون وسطی توجه کرد، یعنی عملکرد نهاد مسیحیت در قرون وسطی هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی واکنشی را در غرب ایجاد کرد که تصور اندیشمندان و عموم مردم بر این بود که حاکمیت این نوع تفکر مسئول عقب ماندگی در ساحت‌های مختلف مانند عقب ماندگی سیاسی، علمی و ... است.

وی تصریح کرد: در واقع مدرنیزاسیون نمی تواند علت افول دین باشد، تقریباً این دو همزمان اتفاق افتادند. یعنی ما تفکر سکولار و ظهور تفکر مادی و همین طور پیدایش مدرنیزاسیون را همراه و در کنار هم می بینیم، یعنی نمی تواند یکی، علت دیگری باشد.

فنایی یادآور شد: وقتی که متفکران غربی به این نتیجه رسیدند که با نحوه رویکرد مذهبی نهاد کلیسا و مسیحیت در غرب نمی توان منتظر امید موفقیتهای نه در علم و نه در زندگی بشر بود، این بود که شورشی علیه مذهب و تفکر مذهبی حاکم طرح شد و بحث نزاع علم و دین این قضیه را تشدید کرد. یعنی در آغاز ظهور دوره جدید که علم با منازعه علم و دین همراه شد و این منازعه به سود علم و زیان دین تمام شد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) افزود: البته منظور از دین، دینی است که نهاد رسمی کلیسا مدافع و مروج آن بود. مسیحیت تحریف شده و مسیحیتی که در طول تاریخ توسط کلیسا شکل گرفته بود که این مسیحیت فاصله زیادی با مسیحیتی که حضرت مسیح(ع) ارائه کرده دارد، منتها چون دین حاکم و رسمی و غالب در آنجا، این بود تلقی عامیانه و عمومی این بود که دین مانع ترقی و پیشرفت است و برای ترقی و پیشرفت باید از دین اعراض کرد و رویگردان شد یا دین را به حوزه خصوصی و قلمرو شخصی تقلیل داد و از حوزه اجتماعی و همین طور علمی خارج کرد.

وی افزود: یعنی زمانی دین رسمی کلیسا، مرجعیت در همه امور؛ هم در امور معنوی و هم در امور زندگی دنیا و هم در امور علمی داشت و این موجب شده بود که پیشرفتی احساس نشود و باعث عقب ماندگی شده بود و همان دوره ای که به دوره قرون وسطی و تاریک مشهور شده است این تاریکی تا حد زیادی به این نوع برداشت و تفکر دینی که کلیسا متصدی آن بود.

وی در خصوص این موضوع که آیا مدرنیزاسیون منجر به بی دینی می شود گفت: به این امر بستگی دارد که چه تلقی ای از مدرنیزاسیون داشته باشیم. اگر مدرنیزاسیون به معنی پیشرفت علمی و تکنولوژیک باشد معتقدیم هیچ ناسازگاری با دین و دینداری ندارد؛ به خصوص دینی که مخالف پیشرفت علمی نیست.

وی افزود: ما معتقدیم اسلام مدافع و مشوق پیشرفت علمی و فناوری است. بنابراین، این پیشرفت نمی تواند با دینداری ناسازگار باشد ولی آنچه که امروزه مدرنیزاسیون نامیده می شود، مجموعه باور و تفکر است که ارتباط چندانی با علم و تکنولوژی ندارد یعنی همان تفکر سکولار و نفی هر نوع مرجعیتی و در رأس آنها مرجعیت دینی است.

فنایی تصریح کرد: یعنی در واقع مدرنیزاسیون می گوید عقل برای ما کافی است و ما به دین، معنویت و عرفان احتیاج نداریم. عقل کافی است، آن هم عقلی که در محدوده عالم طبیعت است و همان عقل معاش پیشینیان است. اگر این تفکر را شاخصه

مدرنیاسیون بدانیم این تفکر با دینداری ناسازگار است ولی من با این مینا مشکل دارم.

این استاد دانشگاه در پایان افزود: این ربطی به مدرن بودن ندارد. مدرن بودن بیشتر بر نوعی پیشرفت علمی و امور مادی زندگی دلالت دارد. ما اعتقاد داریم که می توان عالی ترین پیشرفت را در علم و در زمینه مادی همراه با معنویت داشت. اصولاً این پیشرفت بدون معنویت و اخلاق، پیشرفت واقعی نیست و نمی تواند تداوم داشته باشد و منتهی به بحرانهایی تبدیل می شود که بشریت را تهدید می کند. همان بحرانهایی که امروزه با آنها مواجه هستیم. بحران امنیتی، بحران محیط زیست و بحران اخلاقی، بحران بی معنایی و ... اینها در واقع یک تمدن را نابود می کنند. این بحرانها حاصل پیشرفت یک جانبه هستند؛ یعنی پیشرفت در علم و تکنولوژی بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد و نیازهای بشری که در رأس آنها دین، معنویت و اخلاق وجود دارد.